



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن
موضوع جزئی: ادله - اخبار من بلغ (ادله نظریه ششم، نظریه هفتم و بررسی آن) مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۳۷
تاریخ: ۵ دی ۱۳۹۴
جلسه: ۱۹

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

بخش پنجم: نظریه محقق اصفهانی

آخرین بخش از آنچه که محقق اصفهانی در این مقام فرموده در واقع نظریه ای است که خود ایشان درباره مفاد اخبار من بلغ دارد.

به نظر محقق اصفهانی این اخبار در مقام ترغیب در عمل می‌باشند نه صرف تحصیل ثواب، و ترغیب به عمل معنایی جز رجحان شرعی و استحباب ندارد، لذا محقق اصفهانی قائل به استحباب نفسی است اما نه از طریق راهی که محقق خراسانی گفته اند.

تفاوت نظر محقق اصفهانی و مرحوم آخوند

مرحوم آخوند از راه ترتب ثواب کشف کرد استحباب را، چون به نظر ایشان «کان له اجر ذلک» در واقع مشارالیه ذلک خود عمل است، پس ثواب به نظر آخوند بر خود عمل مترتب می‌شود لذا دال بر استحباب است، اما محقق اصفهانی از راه خود ثواب این را کشف نکرده، بلکه می‌فرماید غرض اصلی از اخبار من بلغ ترغیب به انجام عمل است و ترغیب به انجام عمل همان رجحان شرعی است، چون مولا به چیزی ترغیب نمی‌کند الا اینکه رجحان شرعی داشته باشد، و هذا هو معنی الاستحباب.

لذا ایشان هم مثل محقق خراسانی معتقدند مفاد اخبار من بلغ استحباب نفسی است، ولی این را از خود ثوابی که بر ذات عمل مترتب می‌شود کشف نمی‌کند بلکه از ترغیب مستفاد از این اخبار به سوی عمل بدست می‌آورد.

نظر محقق خوئی

مرحوم آقای خوئی هم معتقد هستند این اخبار دال بر استحباب نفسی است. علت اینکه بیان مرحوم آقای خوئی را ذکر می‌کنیم برای این است که نظر مرحوم آقای خوئی در واقع برگرفته از نظر محقق اصفهانی است، منتهی یک بیان دیگری ارائه داده است، برای اینکه از نظر ایشان هم مطلع باشید و جای ذکر کلام آقای خوئی هم همین جا می‌باشد، و برای این که تلقی نشود که ایشان یک نظر متفاوتی با محقق اصفهانی دارند، نظر ایشان را در اینجا بیان می‌کنیم.

مرحوم آقای خوئی، به طور کلی سه احتمال در اینجا مطرح کرده، و از این سه احتمال دو احتمال را رد می‌کند و می‌گوید: متعین احتمال آخر است.

علت اینکه ایشان این کار را کرده این است، که چون اینجا سخن از استظهار از این اخبار و مدلول مطابقی آن نیست، دراینکه این اخبار ماورای مدلول مطابقی یک مراد جدی از آنها شده است تردیدی نیست، اما اینکه آن مراد جدی چیست ایشان سه احتمال مطرح می‌کند و به نوعی درصدد است که از این سه احتمال یک احتمال را متعین بداند، بنابر این بیان ایشان به نوعی شاید بتواند به توضیح کلام محقق اصفهانی هم کمک کند.

ایشان می‌گوید به طور کلی در اخبار من بلغ سه احتمال وجود دارد: ارشادیت، حجیت، و استحباب نفسی، ارشادیت را نفی می‌کند، حجیت را هم نفی می‌کند، و لذا می‌گوید: متعین استحباب نفسی است.

محقق خوئی در مقام بیان نفی احتمال ارشادیت، می‌فرماید: اگر ما بخواهیم اخبار من بلغ را حمل بر ارشادیت کنیم، این مخالف با ظهور نوعی وحالی مولا در ترغیب و بعث است. ایشان می‌گوید ظاهر حال مولا، در مقام بیان یک مطلب و حکم، این است که می‌خواهد مخاطبین را ترغیب و بعث به سوی آن حکم کند، اینکه ما بگوییم صرفاً اخبار می‌کند از ثواب، و وعده به ثواب می‌دهد، اگر این استفاده شود این به معنای ارشادیت است، ولی در دوران امر بین اینکه کلام مولای حکیم را حمل بر ترغیب و سپس بعث و طلب کنیم یا صرف اخبار باشد. نوعاً این چنین است که کلام مولا ظاهر در ترغیب است، یعنی مقتضای ظاهر حال مولا در خطابات، ترغیب و تشویق و سپس بعث و طلب و امر شرعی است، لذا ایشان می‌گوید ارشادیت اصلاً در اینجا منتفی است.

در مورد نفی حجیت که دیدگاه مشهور و محقق نائینی هم است، مطالبی است که در ضمن دیدگاه بعدی مطرح خواهیم کرد، اشکالاتی که ایشان نسبت به احتمال ظهور این اخبار در حجیت مطرح کرده است را بعداً می‌گوییم.

به نظر ایشان وقتی احتمال ارشادیت منتفی شد و احتمال حجیت هم منتفی شد، یتعین الاحتمال الثالث، که استحباب نفسی است، آن مقدار که تقریباً می‌تواند به عنوان کمک برای توضیح کلام محقق اصفهانی باشد، این قسمت آن است، که اگر محقق اصفهانی می‌گوید: «این اخبار در مقام ترغیب به عمل صادر شده اند، و دال بر استحباب نفسی هستند، چون مولا ترغیب نمی‌کند به کاری مگر اینکه رجحان شرعی داشته باشد»، با توضیحی که مرحوم آقای خوئی داده اند، کأن مقصود ایشان می‌تواند این باشد که محقق اصفهانی در واقع نمی‌خواهد بگوید اینجا به خصوص در مقام ترغیب وارد شده، (ممکن است این هم باشد که ایشان فقط فعلاً در خصوص این مورد ادعا می‌کند، که این اخبار در مقام ترغیب به آن عملی است که ثواب به آن وعده داده شده است)، ولی کامل تر شاید این باشد که مقتضای ظاهر حال مولا در خطابات، ترغیب و تشویق به سوی آن عمل و سپس طلب و بعث است، این نهایت چیزی است که در تبیین و توضیح کلام محقق اصفهانی می‌توان گفت.

البته اینکه کلام مرحوم آقای خوئی تمام است یا نه، و اینکه اساساً احتمالات ثبوتاً همین سه احتمال هستند یا نه، قطعاً این چنین نیست، یعنی ایشان سه احتمال را مطرح کرده و دو احتمال را نفی کرده است، اما خود استحباب نفسی محل اشکال است، بعلاوه اینکه احتمالات دیگری در اینجا ثبوتاً یا اثباتاً متصور است و ادعا هم شده است.

به هر حال عبارت محقق اصفهانی این است: «بل مقتضی التأمل فی الاخبار، انها فی مقام للترغیب فی العمل ، لا فی تحصیل الثواب فقط ولا معنی لترغیب فی العمل الا لکونه راجحاً شرعياً»^۱
اما ببینیم آیا این نظر محقق اصفهانی هم تمام است یا نه.

بررسی بخش پنجم: نظر محقق اصفهانی

به نظر می‌رسد که این کلام و نظر هم محل اشکال است، آنچه که ایشان ادعا کرده که این اخبار در مقام ترغیب بر عمل است، قرینه ای بر آن وجود ندارد الا همان نکته ای که عرض کردیم، محقق خوئی این را بر مقتضای ظاهر حال مولا در خطابات حمل کرده است، اما بر فرض که اینگونه باشد، اینجا آیا ظاهر این اخبار دلالت بر این دارد؟ یعنی مولا واقعاً می‌خواهد ترغیب به انجام عمل کند برای ثواب یا این (در واقع به همان بیانی که ما از امام(ره) نقل کردیم) که شارع در مقام ترغیب به تحفظ بر مستحبات است نه به عمل مذکور در این روایات که ثوابی بر آنها بالغ شده است، ما می‌توانیم بگویم لسان این اخبار، لسان ترغیب است، اصل در کلام مولا یا ظاهر کلمات مولا، این است که ترغیب و تشویق کند، ولی آیا لزوماً ترغیب و تشویق در این سنخ از اخبار به خصوص همین عمل است؟ بله یک وقت می‌گوید: فلان کار مستحب است، «دعاء عند رؤیت الهلال» مستحب است، نماز فلان وقت مستحب است، یا تعبیر مستحب هم به کار نمی‌برد، بلکه صرفاً یک ثوابی برای آن ذکر می‌کند که این کاشف از این است که مولا با بیان ثواب درصدد ترغیب مکلفین به انجام آن عمل است، مثلاً زیارت اربعین این مقدار ثواب دارد، این معلوم است دارد ترغیب می‌کند، ولی در مثل ما نحن فیه که بحث از این است که اگر هر خبری به شما رسید که مثلاً فلان ثواب داده می‌شود بر فلان کار و آن کار انجام شود این ثواب به آن داده می‌شود، واقع این است که ترغیب به خود این عملی که «بلغ الثواب علیه» نیست، اینجا دارد ترغیب می‌کند ولی می‌خواهد بر اهتمام مکلفین و مخاطبین به مستحبات تأکید کند. همان مقدماتی که در کلام امام گفتیم به نظر می‌رسد هیچ منافاتی با این ندارد، یعنی هم ظاهر روایات حفظ شده، ظاهر مولا، ظاهر حال مولا و اصل در کلام مولا هم به نوعی در آن رعایت شده است، مدلول مطابقی اخبار هم همین است و واقعاً هم دارد وعده بر ثواب می‌دهد، ولی غرض این نیست که ترغیب به خود این عمل کند، بلکه تفضلاً این ثواب به عامل داده می‌شود و غرض اصلی تحفظ بر مستحبات و ترغیب به اهتمام به مستحبات است، نه به مستحبات احتمالی و متزلزل.

اجمالاً اینکه در این روایات قرینه ای نیست که بخواهند مطابق آن ظاهر حال یا اصلی که ادعا شده است باشد، و مثالی هم قبلاً ذکر کردیم که این مثال در کلمات مرحوم آقای روحانی هم آمده است، و آن اینکه اگر کسی مثلاً بگوید: «هرکه داخل خانه من شود، من به او احترام می‌کنم و به او غذا می‌دهم و دست خالی از خانه من بر نمی‌گردد» آیا لزوماً این کلام در مقام ترغیب به ورود به خانه بیان شده است؟ یا می‌خواهد تفضل خودش را بگوید، و بگوید که من اهل کرم و

^۱ . نهایة الدراية، ج ۴، ص ۱۸۴.

فضل هستم و هرکس به خانه من بیاید دست خالی بر نمی‌گردد.» اینجا لزوماً این طور نیست که دارد ترغیب می‌کند، بلکه ممکن است کلامی گفته شود که در مقام ترغیب هم نباشد و صرفاً در مقام اخبار از تفضل باشد.

نظریه هفتم: محقق نائینی

آخرین نظریه که در واقع نظریه سوم از دیدگاه دوم و از دیدگاه کلی نظریه هفتم می‌شود. دیدگاه مشهور یا حداقل منسوب به مشهور است، که جلوه و نماد این دیدگاه را ما محقق نائینی قرار می‌دهیم که این دیدگاه را تبیین کرده و ابعاد آن را شرح داده است، حال اجمال دیدگاهی که مشهور گفته اند را عرض می‌کنیم، اصل ادعا را اجمالاً بیان می‌کنیم بعد کلام محقق نائینی را ذکر می‌کنیم.

نظر مشهور

مشهور به طور کلی اخبار من بلغ را حمل بر انشاء می‌کنند، و معتقدند که مراد جدی از این اخبار انشاء است، «فعله» که در این اخبار به کار رفته به معنای «فلیعمله» است، و ثواب هم در خصوص مستحبات است، یعنی «من بلغه شیء من الثواب فعله، فله کان اجر ذلک له» به این معنا است که اگر خبر ضعیفی در دایره مستحبات به شما رسید و ثوابی را برای شما بیان کرد آن خبر برای شما حجت است، یعنی مدلول اخبار من بلغ حجیت خبر واحد ضعیف است، لذا هر خبر واحدی که ضعیف باشد و از شرایط حجیت برخوردار نباشد در محدوده مستحبات با اخبار من بلغ حجت می‌شود. پس آخرین دیدگاه این است که مفاد اخبار من بلغ حجیت اخبار ضعیف مربوط به مستحبات است.

اما برای اینکه این مطلب کاملاً روشن شود، مختصراً کلام محقق نائینی را توضیح می‌دهیم و بعد انشاءالله این نظر را هم بررسی خواهیم کرد، و سپس دیدگاه مختار را بیان می‌کنیم و بعد از آن متعرض تنبیهات این قاعده خواهیم شد که مهم می‌باشد، از جمله راجع به محدوده این قاعده است که آیا شامل واجبات هم می‌شود یا نه، شامل کراهت هم می‌شود یا نه و برخی تنبیهات دیگر.

کلام محقق نائینی

محقق نائینی ابتدا در مورد اخبار من بلغ دو احتمال داده احتمال ولی یکی از دو احتمال، خودش دو احتمال دارد که مجموعاً سه احتمال می‌شود، ایشان از این سه احتمال دو احتمال را رد کرده و لذا یک احتمال را متعین دانسته است، مرحوم آقای خوئی هم که با این روش در اخبار من بلغ وارد شد و چند احتمال داد و یک احتمال را متعین دانست، این روش را از مرحوم نائینی اخذ کرده است، منتهی نتیجه بیان مرحوم آقای نائینی حجیت خبر واحد ضعیف است.

احتمال اول

این اخبار در مقام خبر دادن از تفضل خداوند است و اعطاء ثواب بعد از اتیان به عمل، یعنی می‌خواهد بگوید اگر کسی این کار را انجام دهد ما آن ثواب را تفضلاً به او می‌دهیم، پس این دال بر اخبار است نه انشاء.

ایشان می‌فرماید: اگر این احتمال پذیرفته شود این دیگر اطلاق ندارد، این که «اطلاق ندارد» را با تمسک به یک آیه توضیح می‌دهند و آن هم آیه «فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ»^۱ که سخن از خوردن چیزهایی است که سگ شکاری صید می‌کند، در اینجا جواز اکل آنچه که سگ شکاری صید می‌کند بیان شده است، اینجا یک بحث است که آیا این روایت اطلاق دارد؟ یعنی آیا می‌خواهد بگوید هم این میته نیست و مذکّی است و حلال است و می‌شود آن را خورد، و هم می‌خواهد بگوید که طاهر است؟ محقق نائینی می‌گوید: این روایت در مقام بیان طهارت صید نیست، اینکه محل دندان سگ پاک است یا نه، این آیه در مورد آن اطلاق ندارد، آنچه این آیه در مقام بیان آن است، صرفاً این است که این میته نیست، و می‌شود آن را خورد و حلال است، ایشان می‌گویند: همانطور که این آیه اطلاق ندارد، اخبار من بلغ هم از این جهت اطلاق ندارند، یعنی نمی‌خواهد بگوید و در مقام بیان این نیست که این فعل مستحب است یا نه، ما نمی‌توانیم استحباب را از این کشف کنیم، آنچه که فهمیده می‌شود این است که اگر خبر به شما بالغ شد، ولو آن خبر ضعیف باشد، و ثوابی را وعده داد، شارع تفضلاً این ثواب را به شما می‌دهد، ولی دیگر به اطلاق این نمی‌توانیم تمسک کنیم، به اطلاق بلوغ نمی‌توانیم تمسک کنیم و حجیت خبر را از آن استفاده کنیم.

احتمال دوم

این اخبار دلالت بر حجیت خبر ضعیف دارد، ولی حجیت خبر یک وقت به این نحو است که این مثل اماره ایجاد مصلحت می‌کند یا آن که اساساً، کاری به مصلحت ندارد. آن احتمالی که به دو احتمال تقسیم شده همین احتمال است. اگر بگوییم دال بر حجیت است این اطلاق دارد.

به هر حال احتمال دوم این است که بگوییم این اخبار در واقع مثل قیام اماره ایجاد مصلحت می‌کند، یعنی «بلوغ الثواب» سبب می‌شود آن عمل دارای مصلحت شود، و بعد از آن که واجد مصلحت شد، به خاطر آن عمل مستحب می‌شود، یعنی به واسطه عروض یک عنوان، استحباب نفسی پیدا می‌کند، لذا به عنوان اولی مستحب نیست بلکه به عنوان ثانوی مستحب می‌شود، مثل بعضی از عناوینی که به سبب عروضشان یک عمل را واجب یا مستحب یا حرام می‌کنند، عملی که به عنوان اولی حکم دیگری داشته ولی به واسطه عروض این عناوین یک عنوان جدید پیدا کرده است. در اینجا هم استحباب نفسی ثابت می‌شود، ولی نه به عنوان اولی بلکه به عنوان ثانوی و به خاطر عروض عنوان «بلوغ الثواب»، و این بخاطر این است که این «بلوغ الثواب»، موجب حدوث یک مصلحت در این عمل شده است.

^۱ مائده. ۴.

احتمال سوم

که اصل مدعای ایشان هم می‌باشد این است که این دلالت بر حجیت خبر ضعیف می‌کند، یعنی اخبار من بلغ در واقع می‌گوید خبر مشتمل بر بیان ثواب بر یک عمل، هرچند هم ضعیف باشد، برای شما حجت است و اگر خبر ضعیفی بر استحباب عملی دلالت کرد، آن را انجام دهید.

محقق نائینی می‌گوید: طبق این احتمال به اطلاق این کلام می‌توان اخذ کرد، یعنی وقتی به ما خبر ضعیفی می‌رسد که ثوابی را بیان می‌کند این اطلاق دارد، یعنی استحباب را می‌توان از آن کشف کرد، چون این خبر برای شما حجت است و لازمه آن ثبوت استحبابات است، مفاد اخبار من بلغ حجیت است ولی قهراً استحباب هم لازمه آن است.

ایشان این سه احتمال را بیان کرده و دیگر دلیلی بر تعیین احتمال سوم ذکر نمی‌کنند، ظاهرش این است که احتمال اخیر را از اخبار استظهار می‌کند، و دلیل و برهانی بر نفی آن دو احتمال دیگر نیاورده است.

نسبت ادله حجیت خبر و اخبار من بلغ

به نظر محقق نائینی نسبت بین ادله حجیت خبر واحد و اخبار من بلغ، عام و خاص من وجه است، هرچند در بعضی از کلمات نسبت عام و خاص مطلق ذکر شده است.

ایشان می‌گویند: از یک طرف ادله حجیت و اعتبار خبر واحد عام است، چون ادله حجیت خبر می‌گوید خبر باید این شرایط را داشته باشد، چه اخبار مشتمل بر بیان واجب و چه اخبار مشتمل بر بیان مستحب، اما اخبار من بلغ فقط در مستحبات است، چون حجیت خبر را در مستحبات ثابت می‌کند، از آن طرف اخبار من بلغ عام است، چون ظاهر آن این است که ثواب به عامل داده می‌شود، ولو «کان الخبر ضعیفاً» و «لم یکن واجداً للشرایط»، اما ادله حجیت خبر واحد فقط اخبار آحادی را شامل می‌شود که شرایط حجیت را داشته باشد، پس نسبت بین اینها عام و خاص من وجه هست. در عام و خاص من وجه، نمی‌توان هیچکدام را مقدم کرد، اما ایشان می‌گویند، اخبار من بلغ بر ادله حجیت خبر واحد حاکم هستند^۱، اینها حکومت دارند و وجه حکومتشان این است که بالاخره این اخبار ناظر به آن خبری هستند که در ادله حجیت خبر واحد ذکر شده، و آن خبر را تزییق می‌کنند چون کأن، می‌گوید آن ادله فقط ناظر به واجبات است، یعنی کأن استثنا می‌زند و تخصیص می‌زند آن را. البته تعبیر به تخصیص هم در بعضی کلمات آمده است.

سوال: تخصیص چگونه تصویر می‌شود؟

استاد: تخصیص به این نحو است که، اخبار من بلغ دال بر حجیت خبر ضعیف است، که مربوط به مستحبات است، ادله حجیت خبر واحد می‌گوید که خبر واحد باید این شرایط را داشته باشد، این به منزله مخصص آن است، کأن اینطور می‌شود، ادله حجیت خبر می‌گوید: چه در واجبات، چه در مستحبات باید خبر واجد شرایط حجیت باشند، إلا در اخبار مستحبات، این تخصیص می‌شود، چون می‌گوید در خبر مشتمل بر استحباب دیگر آن شرایط لازم نیست.

^۱ . فوائد الاصول، ج ۳، ص ۴۰۹-۴۱۵.

اگر حکومت هم بگوییم در واقع اخبار من بلغ به یک معنا مفسر ادله حجیت خبر می شود.

سوال: البته تخصیص بر مبنای محقق نائینی نیست.

استاد: بله، تخصیص روی مبنای کسانی است که این را عام و خاص مطلق می دانند، اگر کسی بگوید نسبت بین این ها عام و خاص مطلق است قهراً این را مخصص می داند، اما اگر گفتیم اینها عام و خاص من وجه هستند، قهراً باید مسئله حکومت مطرح شود، یعنی اخبار من بلغ حاکم بر ادله حجیت خبر واحد بوده و آن را تفسیر می کنند.

بحث جلسه آینده

بررسی کلمات محقق نائینی و دیدگاه مشهور و اشکالاتی که متوجه این دیدگاه هست.

«والحمد لله رب العالمین»